

# Responsible risk-taking in conflict-affected countries: the need for due diligence and the importance of collective approaches

خطرپذیری مسئولانه در کشورهای تحت تأثیر مخاصمه: نیاز به جد و جهد کافی و اهمیت رویکردهای جمعی<sup>۱</sup>

جان بری، آنتونی کراکت

چکیده:

این مقاله برخی چالش‌های پیش روی شرکت‌هایی را که در حوزه تحت تأثیر مخاصمه فعالیت دارند و در صدد تبعیت از اصول داوطلبانه امنیت و حقوق بشر و اصول راهنمای ملل متحد در تجارت و حقوق بشر هستند مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسندگان این مقاله استدلال می‌نمایند که احترام جمعی به حقوق بشر برای اصلاح یا جبران عملکرد ناموفق یک دولت کافی نخواهد بود و معتقدند اعمال فشار یا نفوذی که شرکت‌های خصوصی بر نیروهای امنیتی و دولت‌های میزبان وارد می‌کنند، علی‌الخصوص در وضعیت‌های بحرانی، می‌تواند محدود شود. بنابراین لازم است رویکردی گروهی در خصوص خطرهای حقوق بشری در کشورهای درگیر در مخاصمه اتخاذ شود و این رویکرد باید بر اصلاح بخش امنیت عمومی و حکمرانی مطلوب و به همان نحو بر تلاش جمعی کافی تمرکز نماید.

کلمات کلیدی: ارزیابی خطر، تلاش کافی، بخش خصوصی، مناطق تحت تأثیر مخاصمه، مسئولیت جمعی، حقوق بشر، اصول داوطلبانه، اصول راهنما، مطالعه‌ی رویه.

در این شماره از مجله بین‌المللی صلیب سرخ، هوگو اسلیم نقش‌های مختلف فعالان تجاری در کشورهای درگیر در مخاصمه را تحت عناوین «قربانیان، مرتکبین، تأمین‌کنندگان، بشردوستان، صلح‌سازان و بازدارندگان» مورد بحث قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> از نظر ما مهم‌ترین نقش تجارت در وضعیت‌های تحت الشعاع مخاصمه، پیشبرد بهبود و رشد اقتصادی است. در واقع بدون توسعه اقتصادی مکفی، حل و فصل بلند مدت مخاصمات بسیار نامحتمل می‌نماید و این اتفاق هم بدون مشارکت بخش خصوصی رخ نمی‌دهد. از سوی دیگر، فعالیت بی‌مهابا و غیر مسئولانه بخش خصوصی نیز می‌تواند به

<sup>۱</sup> برگردان به فارسی: ترجمه: لیلا ورقایی

<sup>۲</sup> Hugo Slim, 'Business actors in armed conflict: towards a new humanitarian agenda', in this issue.

چرخه خشونت در کشورهای تحت تأثیر مخاصمه دامن زده یا به ر آه حل سیاسی شکننده صدمه وارد آورد. با این تفاسیر، سؤال عمده این نیست که آیا تجارت می‌تواند کمک قابل توجهی بنماید یا خیر، بلکه این است که چگونه کمک تجارت قابل تضمین است.<sup>۳</sup> در این مقاله دو استاندارد بین المللی مهم مربوط به حقوق بشر که رهنمودهای ضروری برای تجارت‌های در حال فعالیت در مناطق پر خطر را فراهم می‌نماید، مورد بحث واقع می‌شوند. همچنین برخی چالش‌های پیش روی اجرای آن‌ها نیز بررسی می‌گردد.

نخستین استاندارد مورد بحث، *اصول داوطلبانه در خصوص امنیت و حقوق بشر است* (که از این پس *اصول داوطلبانه خوانده می‌شوند*). *اصول داوطلبانه* که در سال ۲۰۰۰ منتشر شدند راهکارهایی در خصوص چگونگی تضمین امنیت دارایی‌ها و پرسنل خود در مناطق پرخطر را به شرکت‌ها ارائه نموده و متضمن احترام به حقوق بشر نیز هست. این اصول محصول یک ابتکار چند جانبه هستند که در ابتدا توسط دولت‌های ایالات متحده و بریتانیا مورد پشتیبانی قرار گرفت و شامل تعداد برگزیده‌ای از سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری و شرکت‌های چند ملیتی فعال در بخش‌های استخراج می‌شوند.<sup>۴</sup> تعداد نسبتاً اندکی از شرکت کنندگان نسبت به خلاقیت توجه لازم مبذول می‌دارند ولی همین عده قلیل نیز تأثیرگذار هستند. با وجود این، بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌هایی که مشارکت ندارند، این *اصول داوطلبانه* را منبع راهبردی مهمی قلمداد می‌کنند.

دومین استاندارد که در مورد آن بحث می‌شود *اصول راهبردی ملل متحد در حقوق بشر و تجارت* است که در ۲۰۱۱ نهایی گردید.<sup>۵</sup> این *اصول راهبردی* گامی مهم به سمت جلو محسوب می‌شوند چرا که بر کلیه شرکت‌ها و در کلیه زمینه‌های حقوق بشری قابل اعمال هستند. شناسایی و تأیید آن‌ها توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، روند ۶ ساله شور و مشورت دینفعان آن را به رهبری پروفیسور جان راگی در پی داشت که در ۲۰۰۵ به عنوانه نماینده‌ی ویژه دبیر کل سازمان ملل در امور حقوق بشری و همکاری‌های فراملی و دیگر تشکیلات تجاری منصوب گردید.

<sup>3</sup> For an earlier discussion of related arguments, see John Bray, 'The role of private sector actors in postconflict recovery', in *Conflict, Security and Development*, Vol. 9, No. 1, 2009, pp. 1–26.

<sup>4</sup> The current participants in the Voluntary Principles process include eight governments (Canada, the Netherlands, Norway, Colombia, Switzerland, the United Kingdom, the United States, and Australia), twenty-two oil, gas, and mining companies, and eleven human rights non-governmental organisations. The text of the Voluntary Principles is available at: [www.voluntaryprinciples.org/principles/introduction](http://www.voluntaryprinciples.org/principles/introduction). All internet references were accessed on 29 May 2013 unless otherwise stated.

<sup>5</sup> See Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework*, UN Doc. A/HRC/17/31, 21 March 2011, unanimously endorsed by the United Nations Human Rights Council on 16 June 2011. Individual Guiding Principles in this article are referred to as GP 1, GP 2, etc.

دولت‌ها با استقبال مشتاقانه از *اصول راهبردی* در صدد اجرای فعالانه آن‌ها برآمده‌اند. با وجود این، سایر ابزارهای بین‌المللی مرتبط با مسئولیت جمعی - از جمله سازمانی برای همکاری اقتصادی و دستورالعمل‌های توسعه سرمایه‌گذاری‌های چند ملیتی<sup>۶</sup> و استانداردهای اجرایی انجمن مالی بین‌المللی در پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی<sup>۷</sup> - به منظور انعکاس توصیه‌های مطروحه در *اصول راهبردی* دستخوش تغییرات و اصلاحاتی گشته‌اند.

همچنین بسیاری از شرکت‌ها در جهت تنظیم سیاست‌های داخلی و رویه‌های مدیریت بحران خود، با استفاده از *اصول راهبردی* گام‌هایی برداشته‌اند. موفقیت *اصول داوطلبانه* و اخیراً نیز *اصول راهبردی* قابل تقدیر است. اما باید توجه داشت که همچنان چالش‌های بسیاری پابرجاست. در ارتباط با کشورهای تحت تأثیر جنگ و سایر مناطق پرخطر میزان مشکلات نباید کم اهمیت تلقی شوند. گزارش توسعه جهانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ برآورد می‌نماید که بیش از ۱/۵ میلیارد نفر در کشورهای تحت تأثیر جنگ و در موقعیت حساس یا در کشورهایی با سطح بسیار بالای خشونت جنایی زندگی می‌کنند.<sup>۸</sup>

در این مقاله ما بعضی از چالش‌های پیش روی تجارت‌هایی را که در این مناطق صورت می‌گیرند مورد تأکید و توجه قرار می‌دهیم. در این راستا، در نظر داریم نکات مرتبط پیش گفته در مورد شرکت‌هایی که در صدد اجرای *اصول راهبردی* و *یا اصول داوطلبانه* بودند را بررسی و شناسایی نماییم. ملاحظات ما بر تجربه مان در ارائه‌ی مشورت به مخاطبان بخش خصوصی فعال در این مناطق مبتنی است و از اطلاعات ناشی از حضور ما در مجامع سیاست‌گذاری بین‌المللی بهره می‌برد.

نخستین بخش این مقاله بطور کاملاً مختصر به دلایل این امر می‌پردازد که چرا شرکت‌های تجاری در کشورهای تحت تأثیر جنگ، بدون توجه به خطرهای احتمالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بخش دوم سه نمونه از تجربیات شرکت‌های بین‌المللی در ارتباط با کشورهای تحت تأثیر جنگ را عنوان می‌نماید. نمونه‌های مزبور بر اهمیت تقدم شناسایی خطرها و نیز بر چالش‌های پاسخگو در برابر ریسک‌های حقوق بشری در وضعیت‌های بحرانی تأکید می‌نمایند. بخش سوم و نهایی بر برخی شیوه‌هایی تأکید و توصیه می‌نماید که دولت‌ها و سایر بازیگران از طریق آن‌ها می‌توانند خطرپذیری مسئولانه را تشویق نموده و محیطی فراهم گردانند که بخش خصوصی را به مساعدت مثبت و مؤثر در تأمین صلح و توسعه اقتصادی دوران پسا جنگ قادر سازد.

<sup>6</sup> Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), OECD Guidelines for Multinational Enterprises, OECD Publishing, 2011.

<sup>7</sup> International Finance Corporation (IFC), IFC Performance Standards on Environmental and Social Sustainability, 2011, available at: [www.ifc.org/performancestandards](http://www.ifc.org/performancestandards).

<sup>8</sup> World Bank, World Development Report 2011: Conflict, Security and Development, Washington D.C., 2011, p. 2 (and accompanying fn. 3).

## فرصت‌ها و تهدیدات

روش‌های شناسایی و ارزیابی تهدیدها و فرصت‌های تجارت توسط شرکت‌ها در کشورهای تحت تأثیر مخاصمه به عوامل متعددی از جمله وسعت، حوزه فعالیت و ریسک پذیری آن شرکت بستگی دارد. بعضی شرکت‌های اقتصادی، چنین کشورهایی را حاوی فرصت‌های فوق العاده می‌دانند. بخصوص کشورهایی که در حال بازسازی تأثیرات جنگ هستند، اغلب به عنوان مراکز و هسته‌های بکر بالقوه و مملو از تقاضای مصرف کنندگان برای محصولات یا خدماتی که در دوران جنگ در دسترس نداشتند، شناخته می‌شوند. همچنین این کشورها ممکن است از نظر منابع طبیعی غنی باشند. از نمونه‌های بارز چنین کشورهایی می‌توان به سیرالئون و جمهوری دموکراتیک کنگو در اوایل ۲۰۰۰ و اخیراً میانمار (برمه) و سودان جنوبی اشاره کرد.

سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشورهای تحت تأثیر جنگ ممکن است به ارضای اهداف سیاسی و اجتماعی از جمله ایجاد صلح<sup>۹</sup> و توسعه اقتصادی پسا جنگ، کمک نماید.<sup>۱۰</sup> از آنجا که بخش خصوصی نمی‌تواند نقش مثبتی در این کشورها ایفا نماید، دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی ممکن است در راستای تعدیل بعضی ریسک‌های پیش روی شرکت‌ها، امتیازاتی برای آن‌ها قائل شوند. برای مثال، شرکت‌هایی که برای به مخاطره انداختن سرمایه خود در کشورهای تحت تأثیر جنگ آماده هستند، ممکن است قادر به تأمین تضمینات ریسک سیاسی (از طریق آژانس‌های ملی یا چند ملیتی) باشند، با شرایط مطلوب سرمایه گذاری، یا به فرصت‌های تجاری ترجیحی دسترسی داشته باشند.

در بسیاری موارد شرکت‌ها، پیشگام بودن را در ابتکار عمل در بازارهای جدید پیش از رقبای خود می‌بینند. یکی از دشوارترین برآوردها مربوط به نقطه آغاز فعالیت است. شرکت‌هایی که با سرمایه گذاری بسیار زودرس ریسک می‌نمایند، ممکن است در معرض خطرهای پیش بینی نشده از قبیل خطرات سیاسی، امنیتی و به مخاطره انداختن شهرت و اعتبار خود در مواردی که فعالیت بخش خصوصی مسبب یا مساعدت کننده ایجاد خشونت و نزاع باشد، قرار گیرند. شرکت‌های نفتی و معدنی بطور اخص در صورت سرمایه گذاری در مناطق تحت تأثیر جنگ، در معرض ریسک هستند. عمده‌ترین هزینه ای که در مرحله اولیه بر سرمایه گذاران این بخش‌ها تحمیل می‌گردد، آنست که در صورت وخیم شدن وضعیت سیاسی یا امنیتی، عقب نشینی به سهولت برای آن‌ها میسر نخواهد بود.

---

<sup>۹</sup> See the case studies in Jessie Banfield, Canan Gündüz, and Nick Killick (eds), *Local Business, Local Peace: the Peacebuilding Potential of the Domestic Private Sector*, International Alert, London, 2006. See also Safal Ghimire and Bishnu Raj Upreti, 'Corporate engagement for conflict transformation: conceptualizing the business-peace interface', in *Journal of Conflict Transformation and Security*, Vol. 2, No. 1, 2012, pp. 77-100.

<sup>۱۰</sup> On this point, see United Nations Development Programme (UNDP), *Post-Conflict Economic Recovery: Engaging Local Ingenuity*. Crisis Prevention and Recovery Report 2008, UNDP Bureau for Crisis Prevention and Recovery, New York, 2008, especially pp. 53-57 and 117-120.

## ارزیابی ریسک‌ها: چارچوب هنجاری تحول‌گرا

به لحاظ تاریخی، شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور را مد نظر قرار می‌دادند، همواره نگران ریسک‌هایی بوده‌اند که عملکرد آن‌ها را تهدید می‌نموده، از آن جمله: خطر سلب مالکیت، سرمایه در گردش و خطرهای تهدید کننده اموال و اشخاص شرکت منتج از درگیری یا خشونت. از اواخر ۱۹۹۰ شرکت‌های پیشرو نیز توجه بیشتری به خطر تأثیر معکوس عملکرد خود در چنین زمینه‌هایی بر حقوق و منافع اشخاص ثالث معطوف نموده‌اند. اگرچه آگاهی شرکت‌ها و حساسیت آن‌ها به این خطرها بسیار نامتوازن بوده است.

*اصول داوطلبانه*، نمونه‌ای از اینکه چگونه طرز تفکرات نسبت به خطر، در اوایل سال ۲۰۰۰ شروع به تغییر و تحول نمودند را ارائه می‌کند. این اصول حاکی از آن هستند که امنیت یک نیاز اساسی است که افراد، جوامع، معاملات و دولت‌ها در آن سهیم می‌باشند.<sup>۱۱</sup> *اصول داوطلبانه* بطور صریح تصدیق می‌کند که شرکت‌ها می‌توانند نقشی مثبت در کشورهای تحت تأثیر جنگ، بالاخص با حمایت از اصلاح بخش امنیتی و تلاش در بهبود بخشیدن به حکمرانی ایفا نمایند. در ادامه (اگرچه *اصول داوطلبانه* تصریحی در این قسمت ندارند) عنوان می‌دارند که شرکت‌ها ممکن است نقش منفی نیز ایفا کنند و فعالیت‌های غیر مسئولانه بخش خصوصی نیز ممکن است به سوء استفاده از حقوق بشر، خشونت و درگیری کمک نماید.

همچنین، *اصول داوطلبانه* اذعان می‌دارند که این احتمال وجود دارد که نیروهای امنیتی که وظیفه حمایت از اموال و اشخاص و عملکرد شرکت‌ها را به عهده دارند نیز با ارتکاب تعدی به حقوق بشر و اعمال قدرت نامناسب خود از جمله خطرهایی باشند که شرکت‌های فعال در حوزه کشورهای تحت تأثیر جنگ را تهدید می‌کنند. با توجه به این مسأله *اصول داوطلبانه* توصیه می‌کند شرکت‌ها باید به ارزیابی خطر پرداخته و ارزیابی آن‌ها باید:

سابقه‌ی حقوق بشری موجود در خصوص نیروهای امنیتی عمومی، شبه نظامیان، مجریان محلی و ملی قانون و به همین نحو حسن شهرت امنیت خصوصی را نیز مد نظر قرار دهند. آگاهی از تعديات و دعاوی پیشین می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند از بروز مجدد آن‌ها خودداری نمایند و نیز سطح پاسخگویی را ارتقاء دهند. در ضمن شناسایی قابلیت نهادهای فوق‌الذکر جهت پاسخگویی قانونمند به موقعیت‌های خشونت بار (همگام با استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال) به شرکت‌ها اجازه می‌دهد اقدامات مناسب را در وضعیت‌های مقتضی اتخاذ نمایند.<sup>۱۲</sup>

<sup>11</sup> Voluntary Principles, above note 3.

<sup>12</sup> Ibid.

اصول راهبردی، بسیاری از اصول مشابه همچون اصول داوطلبانه را ممزوج می‌نمایند ولی همانطور که قبلاً نیز ذکر گردید، محدوده‌ای بسیار وسیع‌تر را در بر می‌گیرند که در آن محدوده، نسبت به تمامی شرکت‌های فعال در حوزه استخراج، نه تنها در زمینه مسائل امنیتی بلکه در کلیه زمینه‌های حقوق بشری قابلیت اعمال دارند.

اصول راهبردی نیز همچون اصول داوطلبانه بیان می‌دارند که فعالیت در کشورهای تحت تأثیر جنگ ممکن است ریسک درگیر شدن تشکیلات شرکت‌ها در وضعیت‌های ناشی از نقض خشونت بار حقوق بشری توسط دیگران را افزایش دهد.<sup>۱۳</sup> در چنین حالتی اصول راهبردی توصیه می‌نمایند که شرکت‌ها باید در مناطقی که جنگ در آن‌ها جریان دارد:

۱- به استانداردهای حقوق بشردوستانه بین المللی احترام بگذارند<sup>۱۴</sup> و

۲- با خطر مباشرت یا مساعدت به نقض فاحش حقوق بشر به مثابه یک مسئله قانون محور مواجه شوند.<sup>۱۵</sup>

البته خطرهای تهدید کننده حقوق بشر در کشورهای تحت الشعاع جنگ تنها در درگیری نظامی، امنیتی و اعمال قدرت بروز نمی‌نمایند و بنابراین استانداردهای حقوق بین الملل بشردوستانه، تنها استانداردهای مرتبط نیستند. اصول راهبردی اذعان می‌دارند که فعالیت‌های شرکت‌های تجاری می‌توانند موجب تأثیرات متعارض بر تقریباً تمامی گستره بین المللی حقوق بشر شوند.<sup>۱۶</sup> مضافاً اینکه این اصول، مسئولیت احترام به حقوق بشر بعنوان استاندارد اجرایی که شرکت‌ها باید در کلیه اعمال خود رعایت نمایند را توصیف و تبیین می‌کند.<sup>۱۷</sup>

اصول راهبردی، مفهوم اقدامات احتیاطی حقوق بشر را به‌عنوان رویه‌ای به شرکت‌های تجاری معرفی می‌کند که به آن‌ها اجازه می‌دهد چگونگی اثرگذاری خود بر حقوق بشر را مورد شناسایی، پیشگیری، کاهش و توجه قرار دهند.<sup>۱۸</sup> بطور خلاصه، اقدامات احتیاطی حقوق بشر، شرکت‌های تجاری را قادر می‌سازد که احترام به حقوق بشر را درک نموده و آن را به منصفی ظهور رسانند.<sup>۱۹</sup> اصل راهبردی هفتم توضیح می‌دهد که رویه اقدامات احتیاطی در زمینه حقوق بشر شامل ارزیابی تأثیرات واقعی و بالقوه‌ی حقوق بشری، نظم بخشیدن و عمل مبتنی بر یافته‌های ارزیابی ریسک، ردیابی پاسخ‌ها و تبادل اطلاعات در خصوص چگونگی بررسی تأثیرات است.<sup>۲۰</sup> در ادامه اصول راهبردی بیان می‌دارند:

<sup>13</sup> Guiding Principles, above note 4, p. 21.

<sup>14</sup> Ibid., p. 14.

<sup>15</sup> Ibid., p. 21.

<sup>16</sup> Ibid., p. 13.

<sup>17</sup> Ibid.

<sup>18</sup> Ibid., p. 15.

<sup>19</sup> Ibid. The Guiding Principles also refer (at pp. 15–16) to the adoption of a human rights policy commitment by business enterprises as ‘the basis for embedding their responsibility to respect human rights’.

<sup>20</sup> Ibid., p. 16.

اجرای اقدامات احتیاطی در زمینه حقوق بشر باید به شرکت‌های تجاری در بررسی خطر دعاوی حقوقی اقامه شده علیه آن‌ها با بیان اینکه آن‌ها گام‌های منطقی لازم را در جهت اجتناب از نقض ادعایی حقوق بشر برداشته‌اند، کمک نماید. فارغ از این مسئله، شرکت‌های تجاری مجری چنین اقدامات احتیاطی، نباید مفروض دارند که این اقدامات به خودی خود و بطور خودکار آن‌ها را از مسئولیت مباشرت و مساعدت در نقض حقوق بشر معاف سازند.<sup>۲۱</sup>

شرح اصل راهبردی هجدهم، ارزیابی ریسک را بعنوان نخستین گام در اجرای اقدامات احتیاطی حقوق بشری معرفی می‌نماید<sup>۲۲</sup> و در ادامه عنوان می‌دارد:

به منظور سنجش ریسک‌های حقوق بشری، شرکت‌های تجاری باید هرگونه تأثیر معکوس حقوق بشری واقعی و بالقوه را که ممکن است با آن چه در خلال فعالیت‌های خود یا در نتیجه روابط تجاری با دیگران مواجه شوند، ارزیابی نمایند.<sup>۲۳</sup>

شرح اصل راهبردی هفدهم نیز اشاره می‌کند اقدامات احتیاطی حقوق بشری بشرط آنکه از الزام اولیه شناسایی خطرهای تهدید کننده ذیحقان، علاوه بر حقوق شرکت برخوردار باشند، می‌توانند در سیستم‌های گسترده تر مدیریت ریسک شرکت‌ها قرار گیرند.<sup>۲۴</sup> در رابطه با ارزیابی تاثیرات، گزارش اخیر شورای بین المللی معادن و فلزات اشاره می‌نماید که در بسیاری موارد، ارزیابی اثرات حقوق بشر بر رویه‌های گسترده تر ارزیابی تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی لازم خواهد بود.<sup>۲۵</sup> تصمیم‌گیری در مورد اینکه در هر قضیه، ارزیابی اثر حقوق بشری بطور مستقل صورت گیرد یا خیر به نظر شرکت بستگی دارد. تمایل به شیوهی اجرای مستقل ارزیابی تاثیرات حقوق بشر در کشورهای تحت تأثیر جنگ، بیشتر است. به این لحاظ، سند منتشره توسط کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل تحت عنوان *مسئولیت جمعی در احترام به حقوق بشر: راهنمای تفسیری*، خاطر نشان می‌سازد:

---

<sup>21</sup> Guiding Principles, above note 4, p. 17.

<sup>22</sup> Ibid., p. 17.

<sup>23</sup> Ibid.

<sup>24</sup> Guiding Principles, above note 4, p. 16.

<sup>25</sup> International Council on Mining and Metals, Human Rights in the Mining and Metals Industry: Integrating Human Rights Due Diligence into Corporate Risk Management Processes, London, March 2012, available at: [www.icmm.com/page/75929/human-rights-in-the-mining-and-metals-industry-integrating-human-rights-due-diligence-into-corporate-risk-management-processes](http://www.icmm.com/page/75929/human-rights-in-the-mining-and-metals-industry-integrating-human-rights-due-diligence-into-corporate-risk-management-processes).

ریسک درگیر شدن در نقض فاحش حقوق بشر در حوزه‌هایی که نهادهای مؤثر دولتی و حمایت حقوقی وجود ندارد یا در جایی که نمونه‌های متعددی از تبعیض جدی وجود دارد، رو به رشد می‌باشد. احتمالاً بزرگ‌ترین خطرات در مناطق تحت الشعاع جنگ بروز می‌کنند ولیکن وقوع خطرات مزبور، محدود به این مناطق نیست.<sup>۲۶</sup>

### محدودیت‌های یک رویکرد پیروی حقوقی

لازم است به بررسی این مطلب پرداخته شود که چگونه نحوه مواجهه با خطر مباشرت یا مساعدت در نقض فاحش حقوق بشر به عنوان یک مسئله «پیروی حقوقی» ممکن است درک شرکت‌ها از ماهیت ریسک‌هایی را که در تعاملات خود در کشورهای تحت الشعاع جنگ با آن‌ها مواجه می‌شوند افزایش دهد. در این خصوص راهنمای تفسیری کمیساریای عالی حقوق بشر اذعان می‌دارد:

هرگاه شرکت‌ها در معرض خطر درگیری در نقض فاحش حقوق بشر قرارگیرند، احتیاط ایجاب می‌کند با این خطر به شیوه ای برخورد نمایند که در صورت درگیری در جرائم جدی، به آن شیوه عمل می‌کنند. چه بهر حال واضح است که به لحاظ حقوقی مسئول شناخته می‌شوند. شرکت‌ها به دلیل خطر شدید نقض حقوق بشر و نیز به دلیل سرایت خطرات حقوقی به آن‌ها در نتیجه درگیر شدن در چنین نقض‌هایی باید بدین نحو عمل نمایند.<sup>۲۷</sup>

میان استفاده از کلمه مداخله در این مناطق که ممکن است از آن تفسیر موسع شود با تعریف مضیق تر از آن در شرایطی که شرکت‌های تجاری، یا خود مسئول شناخته می‌شوند و یا به دلیل ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر از سوی دیگران واجد مسئولیت حقوقی می‌گردند، تفاوت‌هایی وجود دارد. در واقع در حقوق داخلی بار شدن مسئولیت مدنی توجیه کننده یک رویکرد پیروی حقوقی است.<sup>۲۸</sup> معهدا، مثال‌هایی از دعاوی مدنی در ایالات متحده آمریکا یا به میزان

---

<sup>26</sup> United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), *The Corporate Responsibility to Respect Human Rights: an Interpretive Guide*, 2012, p. 80, available at: [www.ohchr.org/Documents/Issues/Business/RtRInterpretativeGuide.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Business/RtRInterpretativeGuide.pdf).

<sup>27</sup> *Ibid.*, p. 79. The Interpretive Guide also explains (at p. 6) that '[t]here is no uniform definition of gross human rights violations in international law, but the following practices would generally be included: genocide, slavery and slavery-like practices, summary or arbitrary executions, torture, enforced disappearances, arbitrary and prolonged detention, and systematic discrimination. Other kinds of human rights violations, including of economic, social and cultural rights, can also count as gross violations if they are grave and systematic in scope and nature, for example violations taking place at a large scale or targeted at particular population groups.'

<sup>28</sup> See, for example, Jonathan C. Drimmer, 'Human rights and the extractive industries: litigation and compliance trends', in *Journal of World Energy Law and Business*, Vol. 3, No. 2, 2010, pp. 121–139. Arguments in favour of a 'legal compliance' approach often point to the risk of civil suits in the US or UK courts. It is less clear that corporations headquartered in other jurisdictions are exposed to liability. See, for example, Peter Muchlinski, 'The provision of private law remedies against multinational enterprises: a comparative law perspective', in *Journal of Comparative Law*, Vol. 4, No. 2, 2009, pp. 148–170.



کمتر در دادگاه‌های اروپایی با محدود افراد چند ملیتی که در آن کشورها مورد شکایت قرار می‌گیرند، ممکن است یافت شود. همچنین باید توجه شود که بسیاری از شرکت‌های تجاری فعال در کشورهای تحت تأثیر جنگ شامل شرکت‌های کوچک و متوسط، شرکت‌های محلی و بازرگانانی هستند که با این رویه و سابقه قضایی نا آشنا بوده و تمایلی به دادخواهی ندارند.

در ضمن رویکرد پیروی حقوقی تأکید می‌نماید موارد بسیار معدودی وجود دارند که در آن‌ها تعیین گشته یک شرکت تجاری مسئول ارتکاب و مشارکت در نقض حقوق بشر است. بدین معنا که در مواردی نادر رفتار یک شرکت منتج به مسئول شناخته شدن آن گردیده است. در حوزه‌هایی که مسئولیت حقوقی برای ارتکاب در تئوری محتمل است،<sup>۲۹</sup> محدودیت‌های بسیاری اعمال می‌گردد. برای مثال، در موارد بروز سوالاتی از قبیل اینکه چرا فردی در نقض حقوق بین الملل بشردوستانه مشارکت و معاونت نموده است، اثبات جرم بستگی به این مطلب دارد که آن فرد بطور آگاهانه با کمک مادی، تشویق و تهییج و یا حمایت اخلاقی خود، اساساً به مرتکب جرم یاری رسانیده است.<sup>۳۰</sup>

از آنجا که اصول حقوقی مربوط به ارتکاب، بسیار فنی و تخصصی هستند، معلوم نیست که نحوه برخورد با ریسک مباشرت در نقض فاحش حقوق بشر بعنوان مسئله‌ی پیروی حقوقی بتواند به شرکت‌هایی که درک مناسبی از خطرات پیش رو ندارند، کمک نماید.<sup>۳۱</sup> بعلاوه بسیاری از حقوقدانان در مسائل مسئولیت فردی یا جمعی در صورت نقض حقوق

---

<sup>29</sup> For example, plaintiffs have sought to sue corporate defendants for ‘aiding and abetting’ human rights abuses perpetrated by foreign governments or other third parties under the US Alien Tort Claims Act, 28 USC § 1350 (“ATS”) which provides that ‘[t]he district courts shall have original jurisdiction of any civil action by an alien for a tort only, committed in violation of the law of nations or a treaty of the United States’. Courts in the United States have disagreed as to whether the ATS establishes jurisdiction over corporations, a question which the US Court of Appeals for the Second Circuit answered in the negative in 2010 in *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co.*, 621 F.3d 111 (2d Cir. 2010) (“*Kiobel*”). On appeal, although the US Supreme Court appeared poised to answer this question, its long-awaited decision issued on 17 April 2013, addressed instead the broader issue of whether the ATS applies extraterritorially; that is, whether US courts have jurisdiction under the ATS over claims involving foreign plaintiffs, foreign defendants, and conduct occurring outside the US. A majority of the Court held that a presumption against extraterritoriality applies to the ATS and that the presumption is not displaced in circumstances where all the relevant conduct took place outside the United States (see *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co.*, 569 U.S. (2013)). The Court did not reach the question for which permission to appeal was initially granted: i.e. whether corporations can be liable under the ATS at all.

<sup>30</sup> See, Norman Farrell, ‘Attributing criminal liability to corporate actors: some lessons from international tribunals’, in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 873, 877–878, 883, and 889–891.

<sup>31</sup> Of course, part of the reason for the Guiding Principles advocating a legal compliance approach is the grave nature of abuses that may occur in conflict-affected countries. The message is that companies should take the risk of gross human rights abuses very seriously, even if there is no immediately obvious link with their operations or proposed operations.

بشر تخصصی ندارند و احتمالاً قادر به شناسایی عناصر مرتبط با ریسک نیستند. مثلاً در مناطق پر ریسک، مطابقت با قانون محلی یا دیگر تعهدات قانونی (همچون تعهد قراردادی در تأمین تجهیزات یا دیگر منابع برای نیروهای امنیتی) ممکن است فوراً خطر درگیر شدن در نقض فاحش حقوق بشر را در پی داشته باشند.

دستورالعمل/اصول راهبردی در مورد اینکه شرکت‌ها در کشورهای تحت تأثیر جنگ باید از رویکرد پیروزی حقوقی نسبت به خطرات حقوق بشر تبعیت نمایند، ممکن است این خطر را به دنبال داشته باشد که شرکت‌های ریسک‌گریز به توصیه وکلای ریسک‌گریز از سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها حذر نمایند. در این صورت شرکت‌های مسئول شرکت‌هایی خطرگریزتر فرض می‌شوند و بالعکس.

اگر چنین فرضی درست باشد، مبالغه در مورد ریسک مسئولیت حقوقی ممکن است متضمن تأثیر نامطلوب بی‌انگیزه نمودن شرکت‌های مسئول در خصوص سرمایه‌گذاری در کشورهای تحت تأثیر جنگ و خالی نمودن عرصه برای خرده تاجران ناشی باشد. مسئله انتقال تجهیزات نمونه مناسبی از مسائل پیچیده‌ای است که در جریان شناسایی و ارزیابی خطرهای احتمال بروز دارند. فرد تاجری که اصول راهبردی را مطالعه می‌کند قبول دارد که مایل نیست شرکت وی درگیر نقض حقوق بشری شود، ممکن است به این نتیجه برسد که فراهم نمودن تجهیزات برای نیروهای امنیتی در جایی که احتمال ارتکاب نقض حقوق بشری توسط آن‌ها وجود دارد، ایده خوبی نیست. از این سو یک وکیل نیز باید وی را مطلع سازد که فراهم نمودن تجهیزات یا هر نوع حمایت مادی دیگر و کمک به نیروهای امنیتی چنانچه مرتکب نقض حقوق بشر شوند، شرکت را هم در معرض ریسک مسئولیت قرار خواهد داد.

شرکت‌های خواهان اعمال اصول/دوطلبانه از سال ۲۰۰۰ با چنین مشکلاتی دست به گریبان بوده‌اند. اصول/دوطلبانه تصدیق می‌کنند که شرکت‌ها می‌توانند برای نیروهای امنیت عمومی تجهیزات فراهم نمایند ولی در ادامه می‌افزایند، در صورتیکه چنین کاری انجام دهند باید هرگونه اقدام قانونی و مناسب در جهت کاهش نتایج منفی قابل پیش‌بینی همچون نقض حقوق بشر و تخطی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را اتخاذ نمایند.<sup>۳۲</sup> در عمل شرکت‌ها ممکن است هیچ جایگزین واقعی دیگری جز فراهم نمودن تجهیزات و دیگر خدمات و پشتیبانی برای نیروهای امنیتی نداشته باشند. در واقع بر این گمان هستند در صورت عدم تأمین تجهیزات و خدمات، ریسک اشخاص و اموال خود را افزایش داده‌اند. همچنین تأمین تجهیزات و پشتیبانی مادی شاید به نوعی بتواند به جلوگیری از نقض حقوق بشر کمک کند. برای مثال، ممکن است شرکت‌ها تصمیم بگیرند برای نیروهای امنیتی غذا و سرپناه فراهم کنند با این توجیه که سربازانی که از لحاظ غذا و سرپناه بگونه‌ای مناسب تأمین باشند، کمتر مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند، تا آن‌هایی که محروم از این امکانات هستند. همچنین دولت‌های میزبان ممکن است درخواست نمایند (و غالباً نیز چنین درخواستی می‌کنند)، شرکت‌ها وسایل نقلیه، تجهیزات و دیگر منابع مورد نیاز را برای نیروهای امنیتی که نقش عمده

<sup>32</sup> Voluntary Principles, above note 3.

آن‌ها حمایت از فعالیت‌های شرکت‌ها است، فراهم کنند. چنین درخواست‌هایی شرکت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد اما در ضمن احتمال کشاندن دولت میزبان بر سر میز مذاکره در مورد رفتارهای نیروهای امنیتی را نیز مقدور و میسر می‌سازد.

### مشاوره، نفوذ و قدرت

*اصول داوطلبانه* بر اهمیت مشاوره بین شرکت‌ها و دولت‌ها در خصوص مسائل حقوق بشری و امنیتی تأکید می‌نماید. در ارتباط با انتقال تجهیزات مرگبار و غیر مرگبار، *اصول داوطلبانه* بیان می‌دارد که شرکت‌ها باید خطرات و نیز امکان اتخاذ اقدامات کاهش دهنده اثرات منفی قابل پیش بینی من جمله کنترل کافی در جلوگیری از استفاده نادرست تجهیزات را، که ممکن است منجر به نقض حقوق بشر شود، بررسی نمایند.<sup>۳۳</sup>

ضمناً به توصیه‌ی *اصول داوطلبانه*، شرکت‌ها باید در حد منطقی بر استفاده از چنین تجهیزاتی نظارت داشته و در موارد استفاده نادرست و نامناسب تحقیق و رسیدگی نمایند. اگر شرکت‌ها از سوی نیروهای امنیتی دولت‌ها گزارشات موثق در خصوص موارد نقض حقوق بشر در منطقه فعالیتشان دریافت دارند، باید به بررسی گزارشات پرداخته و اقداماتی در جهت جلوگیری از تکرار آن صورت دهند.<sup>۳۴</sup>

نکته مهم‌تر اینکه، *اصول راهبردی* مفروض می‌دارند شرکت‌ها باید از نفوذ خود در ارتقای اصول حقوق بشری استفاده نمایند، از جمله این اصل که حقوق افراد در بهره مندی از آزادی حضور در اجتماعات و گردهمایی‌های صلح آمیز، شرکت در معاملات جمعی یا دیگر حقوق نباید مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد.<sup>۳۵</sup> بطور مشابه، *اصول راهبردی* نیز در توضیح اینکه چگونه شرکت‌ها می‌توانند مسئولیت خود را در قبال احترام به حقوق بشر ایفا کنند، خصوصاً در مواردیکه دریافته‌اند اعمالشان ریسک کمک به نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث را در پی خواهد داشت، به مفهوم اعمال نفوذ ارجاع می‌دهند.<sup>۳۶</sup> با این حال، مطالعات موردی در بخش بعدی نشان می‌دهد کشورهای مستقل که بطور مستقل فعالیت می‌کنند یا حوزه فعالیت آن‌ها در منطقه بحرانی است، احتمالاً فاقد نفوذ و قدرت کافی در کاهش ریسک نقض حقوق بشر در کشورهای تحت الشعاع جنگ هستند.

---

<sup>33</sup> Ibid.

<sup>34</sup> Ibid.

<sup>35</sup> Ibid.

<sup>36</sup> Guiding Principles, above note 4, p. 18: 'Where a business enterprise contributes or may contribute to an adverse human rights impact, it should take the necessary steps to cease or prevent its contribution and use its leverage to mitigate any remaining impact to the greatest extent possible. Leverage is considered to exist where the enterprise has the ability to effect change in the wrongful practices of an entity that causes a harm.'

## آموزه‌های تجربی: سه نمونه مطالعاتی

دو مطالعه موردی نخست در این بخش، مثال‌هایی از ارزیابی خطر و کاهش آن را در بر دارند و درصدد ارائه نحوه کاربری عملی از توصیه‌های اصول راهبردی و اصول داوطلبانه و همینطور برخی از محدودیت‌ها، بالاخص از لحاظ مفهوم قدرت هستند. در این دو نمونه مطالعاتی به دلیل حفظ حریم و رازداری، اسامی کشورها و شرکت‌ها ذکر نمی‌گردد. نمونه سوم که مبتنی بر منابع عمومی است، در مورد شرکت معدنی آنویل در جمهوری دموکراتیک کنگو می‌باشد: تجربیات شرکت آنویل به موانع و دشواری‌هایی اشاره می‌کند که فعالان بخش خصوصی در صورت عدم رعایت مؤثر اقدامات احتیاطی حقوق بشری با آن‌ها مواجه می‌شوند. همچنین تجربه آنویل نشان می‌دهد که رفتار جمعی مسئولان در کشورهای تحت تأثیر مخاصمات، به خودی خود کافی نبوده و بایستی با ظرفیت سازی در بخش امنیتی و اصلاحات دولتی همراه و تکمیل گردد.

### مورد مطالعاتی یک: اهمیت ارزیابی ریسک پیش از ورود

در این نمونه، یک شرکت چند ملیتی خود را در یک مخاصمه داخلی خشونت آمیز اما تقریباً کوتاه مدت در کشوری در حال توسعه، درگیر یافت. این شرکت مالک دارایی عظیم زیرساختی بود و به مدت پنج سال بدون وقوع هیچ حادثه‌ای از آن بهره برداری نموده بود. در واقع در دوران صلح و متعاقب انعقاد قطعنامه ای در خاتمه یک جنگ بلند مدت، وارد آن کشور شده بود. زمانیکه درگیری از سر گرفته شد، هر دو طرف آن دست به ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بشری و جنایات جنگی زدند. شرکت مزبور برای حمایت از کارمندان و اموالش به نیروهای امنیتی وابسته بود و موافقتنامه ای مبنی بر تأمین تجهیزات لازم از قبیل وسایل مخابراتی و سوخت برای نیروهای امنیتی میان آن‌ها وجود داشت. به‌علاوه این شرکت برای تأمین هزینه خوردن و آشامیدن پرسنل نیروهای امنیتی در مواقع حضور و استقرار آن‌ها در تاسیسات شرکت، متعهد به پرداخت مبالغ نقدی جزئی شده بود. قرارداد فی مابین حاوی ماده ای در مورد نحوه استفاده از تجهیزات و منابع فراهم شده توسط شرکت یا بطور کل در خصوص طرز رفتار نیروهای امنیتی نبود.

هنگامیکه درگیری‌ها به اوج خود رسید، شرکت برنامه مدیریت بحرانی را آغاز نمود که منجر به خروج بسیاری از کارکنان خارجی آن گشت. نگرانی مهم از این بابت بود که نیروهای امنیتی احتمالاً به ارتکاب نقض حقوق بشر یا تعدی به حقوق بین الملل بشردوستانه بپردازند. با توجه به این مسئله، اینگونه بنظر می‌رسید که قرارداد تهیه و تأمین تجهیزات و سایر منابع برای نیروهای امنیتی این ریسک را دربر دارد که شرکت بواسطه انعقاد آن در معرض اتهام به همدستی در نقض‌های حقوق بشری صورت گرفته، شود. سپس توجهات معطوف این موضوع شد که ریسک مزبور چگونه قابل تعدیل خواهد بود.

یکی از گزینه‌هایی که مورد بحث و بررسی قرار گرفت این بود که آیا تعلیق تأمین پرداخت‌ها و تجهیزات به نیروهای امنیتی برای شرکت امکان‌پذیر است؟ ریسکی که در خصوص اعمال این گزینه پیش بینی می‌شد این بود که در صورت توقف پرداخت‌ها، احتمال داشت نیروهای امنیتی از ایفای وظایف خود سر باز زنند. همچنین شرکت نگران بود بدون وسایل نقلیه ای که در اختیار نیروهای امنیتی قرار داده، آن‌ها قادر به رفت و آمد بین پادگان خود و اقامتگاه شرکت نباشند. با حصول به این نتیجه که تعلیق تأمین منابع برای نیروهای امنیتی، اموال و اشخاص را در معرض ریسک‌های غیر قابل پذیرش قرار می‌داد، شرکت به این مسئله پرداخت که آیا شیوه‌های جایگزین دیگری برای کاهش ریسک تأمین منابع که به تعبیر *اصول راهبردی* کمک به نقض‌های حقوق بشری است، وجود دارد؟

بدین منظور شرکت به توصیه‌های *اصول راهبردی* مبنی بر مشورت با دولت‌ها و بازیگران دولتی توجه نموده و درصد مشورت با دولت متبوع خود برآمد. اگرچه کشور متبوع آن عضو مشارکت کننده در تدوین *اصول راهبردی* بود، در موضع ارائه مشاوره معنی دار و مؤثر و مساعدت به شرکت، ضعیف و ناکارآمد ظاهر شد. بطور اخص، کشور متبوع شرکت بیان داشت که قادر به کمک به آن، در برقراری ارتباط رسمی با آژانس‌های بین‌المللی، کارکنان محلی دولت یا نمایندگان سایر دولت‌ها که در دوران جنگ در آن کشور حضور دیپلماتیک داشتند، نیست.

بنابراین نخستین درس این نمونه مطالعاتی این است که کشورهای متبوع همواره مهیای کمک به شرکت‌ها نیستند (اگرچه هر دو سند *اصول راهبردی* و *اصول داوطلبانه*، توصیه به امکان بهره‌مندی شرکت‌ها از مشورت و مساعدت کشور متبوع نموده‌اند). درس دوم و مهم‌تر، به اهمیت ارزیابی زودهنگام و کامل ریسک مربوط می‌شود. بنظر می‌رسد، زمانیکه قرارداد تهیه منابع برای نیروهای امنیتی امضا شد، ارزیابی کافی از ریسک صورت نگرفته بود. شرکت ابتدا در دوران صلح سرمایه‌گذاری نموده بود اما مطمئناً دلیل بر آن نیست که ریسک جنگ داخلی خشونت بار در آن زمان مبالغه‌آمیز و غیر ممکن باشد (در حقیقت نیاز به تجهیز نیروی امنیتی، خود دلیلی بر این مدعا بود). بعلاوه، سابقه حقوق بشری بخش عمومی نیروهای امنیتی با استانداردهای ایده آل فاصله داشت. از اینرو، تلاش برای توسل به مکانیسم‌های مناسب مدیریت ریسک در میانه بحران بسیار دشوار می‌نمود. اگر در مراحل اولیه، ارزیابی ریسک صورت گرفته بود (آنگونه که در *اصول داوطلبانه* و *اصول راهبردی* بدان توصیه گشته)، گنجاندن موادی که صریحاً بیانگر انتظارات شرکت مبنی بر لزوم رعایت استانداردهای بین‌المللی همچون اصول اولیه ملل متحد در مورد توسل به زور و سلاح توسط نیروهای امنیتی باشد، در قرارداد امنیتی مقدور می‌گشت.<sup>۳۷</sup> مضافاً اینکه شرکت می‌توانست گفتگویی با

<sup>37</sup> See United Nations Rule of Law, Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials: Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990, available at: <http://fr.unrol.org/files/BASICP~3.PDF> (last visited 14 June 2012).

دولت میزبان در خصوص امنیت یا برنامه آموزشی برای نیروهای امنیتی، ترتیب دهد تا ریسک نقض‌های حقوق بشری یا استفاده نامناسب از زور را به حداقل رساند.<sup>۳۸</sup>

### مورد مطالعاتی دو: استفاده از اعمال قدرت دولتی در راستای کاهش ریسک‌های حقوق بشری

این مورد مربوط است به یک پروژه بخش استخراج در کشوری تحت تأثیر جنگ، که این پروژه باید توسط سندیکای بانک‌های بین‌المللی تأمین مالی می‌شد و تأمین مستلزم تطابق با استانداردهای اجرایی بود. حامیان و وام‌دهندگان پروژه از تعدادی مؤسسات حقوقی و مشاورین ریسک، مشورت گرفتند.<sup>۳۹</sup> حامیان پروژه ارزیابی اثر زیست محیطی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار دادند که برای وام‌دهندگان احتمالی آماده باشد. این ارزیابی نشان داد که اعضای نیروهای مسلح کشور میزبان باید بمنظور تأمین امنیت سایت پروژه یا حفاظت از زیرساخت‌های مربوط به آن استقرار یابند. در پی این ارزیابی، مشخص گردید که نیروهای مسلح کشور میزبان، اغلب از افرادی تشکیل یافته که اجباراً عهده دار خدمات ملی هستند و گزارشاتی نیز مبتنی بر فعالیت پرسنل خدمات ملی در پروژه‌های مدنی یافت شد. همچنین ارزیابی مزبور اشاره داشت دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی فراوانی از جمله سازمان بین‌المللی کار، نگران بودند که برنامه خدمات ملی در آن کشور، قوانین مربوط به کار اجباری را نقض نماید.

همین مسائل موجب شد تا این دغدغه بارور گردد که ممکن است چنانچه کارکنان خدمات ملی کارهای عمرانی مربوط به پروژه را توأم با نقض حقوق بشر انجام دهند، حامیان و وام‌دهندگان پروژه نیز در معرض ادعای همکاری با مرتکبین قرار گیرند. خصوصاً بدلیل اینکه کنوانسیون کار اجباری سازمان بین‌المللی کار ۱۹۳۰، در رعایت منافع افراد، شرکت‌ها یا مؤسسات، هر دولت یا آژانس دولتی را از تحمیل کار اجباری و صدور مجوز در مورد آن منع می‌کند، نگرانی‌هایی از این دست افزایش می‌یابند.<sup>۴۰</sup> خط مشی‌های بازار مشترک اروپا برای شرکت‌های چند ملیتی نیز، به شرکت‌های تجاری توصیه می‌نماید به حذف تمامی اشکال کار اجباری کمک نمایند.<sup>۴۱</sup>

---

<sup>38</sup> The events referred to in this case study took place prior to the publication of the Guiding Principles. A company seeking to implement the Guiding Principles in a similar context might also decide that establishing some form of grievance mechanism to allow stakeholders to raise issues regarding the conduct of security forces would also assist to mitigate risk.

<sup>39</sup> IFC, Performance Standards, above note 6.

<sup>40</sup> International Labour Organization (ILO), Convention concerning Forced or Compulsory Labour, Art. 4, adopted on 28 June 1930.

<sup>41</sup> OECD, Guidelines for Multinational Enterprises, above note 5, p. 35.

در این راستا، متخصصی در زمینه کار برای بازدید از کشور مزبور مأمور شد تا از میان ریسک‌های مختلف، به بررسی این قضیه بپردازد که آیا پرسنل خدمات عمومی در بعهده گرفتن کارهایی در جهت منافع شرکت پروژه گذار از قبیل احداث زیر ساخت‌های مربوط به پروژه، مجبور می‌شوند یا خیر؟

دیگر ارزیابی ریسک صورت گرفته نشان داد که چنانچه پرسنل خدمات ملی مستقیماً برای پروژه کار کنند، ریسکی در کار نخواهد بود اما چنانچه مجبور به کار احداث یا تأمین امنیت زیرساخت‌های مربوط به پروژه شوند، ریسک‌هایی به میان خواهد آمد. نظر به این ارزیابی ریسک، وام دهندگان تصمیم گرفتند فقط پروژه ای را حمایت نمایند که دولت میزبان تضمین نماید، پرسنل خدمات ملی در آن پروژه اجبار به کار نخواهند شد. مذاکره با دولت میزبان در زمینه تضمینات مربوطه، مستلزم تلاش چشمگیر شرکت و همکاری دولت‌های خارجی و مؤسسات مالی با آن بود. دولت میزبان در نهایت موافقت نمود تعهدی کتبی در خصوص نگرانی‌های مربوط به پرسنل خدمات ملی به پشتیبان پروژه بدهد. همچنین پذیرفت در مکانیسمی نظارتی شامل بازرسی‌های منظم توسط یک متخصص بی طرف، همکاری‌های لازم را داشته باشد. در صورتیکه دولت‌های خارجی از نفوذ خود استفاده نمی‌کردند، بعید بود دولت میزبان با این اقدامات موافقت نماید.

همچون نمونه مورد مطالعه نخست، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این نمونه نیز اهمیت ارزیابی ریسک بهنگام و کامل است. ضمناً این نمونه نشان می‌دهد که مشورت با دولت‌های میزبان و استفاده مناسب از نفوذ و قدرت می‌تواند به کاهش ریسک ناشی از فعالیت‌های بخش خصوصی یا موارد نقض حقوق بشر کمک نماید. با این حال، چالش‌ها و حساسیت‌های مربوط به استفاده از قدرت نباید کم اهمیت تلقی شوند. مضافاً، نمونه مزبور ابراز می‌دارد ریسک‌های نقض حقوق بشر که وابسته به طرز عمل نیروهای امنیتی هستند تنها ریسک‌هایی نیستند که ممکن است در کشورهای تحت تأثیر جنگ بروز نمایند. برای مثال، حقوق انسانی پرسنل امنیتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

#### مورد مطالعاتی سه: انتقال تجهیزات در منطقه درگیر در مخاصمه

حادثه رخ داده در اکتبر ۲۰۰۴ در شرکت معدنی آنویل نیز، اهمیت ارزیابی کامل ریسک و نیاز به عملکرد کاملاً محتاطانه شرکت‌ها در ارتباط با انتقال تجهیزات در مناطق پر ریسک را خاطر نشان می‌نماید. شرکت آنویل در ۱۹۹۸ در منطقه دیکولوشی واقع در ایالات کاتاگنا به یک معدن مس و نقره دست یافت که در ۲۰۰۲ به بهره برداری رسید. متعاقباً این شرکت از آژانس تضمین سرمایه گذاری‌های چند جانبه بانک جهانی (میگا)، درخواست بیمه ریسک سیاسی

نمود. پس از مذاکرات متممادی درخواست شرکت در سپتامبر ۲۰۰۴ تأیید شد. چند هفته بعد، نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک کنگو یک شورش کوچک با تلفات جانی فراوان را در کیلوا حدود ۵۰ کیلومتری دیکولوشی، سرکوب نمود.<sup>۴۲</sup>

شرکت آنویل در نقض‌هایی که ادعای ارتکاب آن‌ها در دیکولوشی شده بود، مقصر شناخته شد چرا که نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک کنگو را پشتیبانی لجستیک کرده بود. بطور اخص، شرکت آنویل به سربازان اجازه داده بود تا با هواپیماهای چارتر و وسایل نقلیه شرکت سفر و رفت و آمد نمایند.<sup>۴۳</sup> در ژوئن ۲۰۰۵ یک برنامه‌ی مستند تولید شرکت پخش استرالیایی توجه بین‌المللی را معطوف به واقعه نمود و بطور ضمنی به دخیل بودن شرکت در نقض‌های حقوق بشری اشاره کرد. متعاقب آن و در پاسخ به مذمت عمومی، رئیس بانک جهانی پائول ولفویترز از مسئول پذیرش و مشاوره کائو خواست تا دادخواستی در خصوص پروژه دیکولوشی به قسمت اقدامات احتیاطی میگا بدهد.<sup>۴۴</sup>

گزارش کائو به آنچه درباره دستاورد ارزیابی ریسک چه از جانب میگا و چه از جانب شرکت صورت گرفته تصریح می‌نماید. واضح است که میگا و شرکت آگاه بودند که جمهوری دموکراتیک کنگو بی‌ثبات بود (و به همین دلیل نیز تقاضای بیمه ریسک سیاسی شده بود) و شرکت آگاه بود که در معرض ریسک‌های مربوط به رفتارهای اجرایی نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک کنگو قرار خواهد گرفت.<sup>۴۵</sup> برای مثال گزارش کائو به یک بخش پیش‌تر در مارس ۲۰۰۴ اشاره می‌کند که نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک کنگو به اجبار سه وسیله نقلیه را تصاحب کرده بودند.<sup>۴۶</sup>

یکی از مدیران ارشد آنویل که در ابتدا درخواست آن را رد کرده بود به وسیله اسلحه‌ای. کی. ۴۷ و اصابت ضربه آن تهدید شد. طبق اطلاعات رسیده به کائو توسط نمایندگان آنویل، شرکت به تصاحب وسایل نقلیه خود در اکتبر ۲۰۰۴ اعتراض نکرد اما نگرانی خود را مبنی بر اینکه سربازان نباید در غارت و تاراج شرکت نمایند، به شرکت اظهار داشت. ارزیابی میگا از درخواست بیمه ریسک سیاسی آنویل در زمانی صورت گرفت که آژانس در حال بازبینی نقش خود در سایه بررسی صنایع استخراجی بانک جهانی بود. یکی از بازخوردهای مهم بررسی صنایع استخراجی این بود که میگا عهده دار تضمین آن دسته از مشتریان خود در این بخش گردید که از اصول *داوطلبانه* متابعت نمایند. گزارش کائو

---

<sup>42</sup> An enquiry by the United Nations Peacekeeping Mission in the Democratic Republic of Congo and local human rights groups estimated the death toll at more than 100. See International Crisis Group (ICG), Katanga: The Congo's Forgotten Crisis, Africa Report No. 103, 9 January 2006, p. 10.

<sup>43</sup> Ibid. See also World Bank Office of the Compliance Advisor/Ombudsman (CAO), CAO Audit of MIGA's Due Diligence of the Dikulushi Copper-Silver Mining Project in The Democratic Republic of the Congo, 2005, available at: [www.cao-ombudsman.org/cases/case\\_detail.aspx?id=94](http://www.cao-ombudsman.org/cases/case_detail.aspx?id=94). The CAO report (at p. 4) notes that 'the broad facts of Anvil Mining's involvement in the October 2004 Kilwa incident, in terms of the provision of logistical support to the Armed Forces of the DRC, are not in dispute'.

<sup>44</sup> Ibid.

<sup>45</sup> Ibid., p. 5.

<sup>46</sup> Ibid., p. 6.



اشاره می‌کند که شرکت آنویل در درخواست خود به میگا، تأیید نموده که در *اصول داوطلبانه* هیچ توصیه ای در تعارض با عملکرد فعلی شرکت وجود ندارد.<sup>۴۷</sup> اگرچه گزارش کائو به این نتیجه رسید که میگا خود فاقد توان ارزیابی این امر است که آیا آنویل مهارت‌های لازم برای درک و بکارگیری *اصول داوطلبانه* را دارد یا خیر، و این مسئله یک خلأ اساسی در رویه اقدامات احتیاطی میگا بود.<sup>۴۸</sup>

گزارش کائو این نتیجه را در بر داشت که اگر *اصول داوطلبانه* به شیوه ای نظام مند بکار گرفته شوند:

ارتباطی ضروری میان رهایی از مخاصمه به‌عنوان ریسکی قابل بیمه شدن و پتانسیل لازم برای تاثیرگذاری بر محرک‌های درگیری که ممکن است به جوامع بومی آسیب رساند، ایجاد می‌کند.<sup>۴۹</sup>

با این حال، این گزارش ادعا نمی‌کند که اگر *اصول داوطلبانه* اعمال می‌شدند، حوادث کیلوا روند متفاوتی را طی می‌نمود و اشاره می‌کند که فعالیت در محیط‌های بی ثبات ریسک مازادی وجود دارد که نقض‌های حقوق بشر حتی زمانی هم که *اصول داوطلبانه* مورد متابعت قرار می‌گیرند، ممکن است صورت پذیرند.<sup>۵۰</sup>

میگا و آنویل نقد کائو بر نیاز به ارزیابی ریسک محتاطانه تر را پذیرفتند و بعنوان بخشی از پاسخ خود بطور مشترک گزارشی ترتیب دادند که رهنمودهایی در خصوص اجرای *اصول داوطلبانه* ارائه می‌نمود.<sup>۵۱</sup> جای تعجب نیست که این گزارش نظر به مسئله انتقال تجهیزات، با دقت پیش می‌رود و اشاره می‌نماید که وضعیت ایده آل اجتناب از انتقال مستقیم تجهیزات از شرکت به نیروهای امنیتی و دولت است.<sup>۵۲</sup> برای شرکت مرجح بود اصرار ورزد، آنچه از تجهیزات نیاز است دولت خود فراهم نماید و بدین ترتیب از دخالت در مسائل امنیت عمومی که در شرایط عادی خارج از حدود و وظایف آن است، بپرهیزد. اگر این اجتناب امکان پذیر نباشد، دستاورد جایگزین، پرداختن به کمبود منابع از طریق برنامه اصلاح امنیت بخش عمومی است که توسط وام دهندگان بین المللی پشتیبانی شده باشد. شرایط عمومی ابزار

<sup>47</sup> CAO, above note 42, p. 20.

<sup>48</sup> Ibid., p. 20.

<sup>49</sup> Ibid., p. 21.

<sup>50</sup> Ibid., p. 51. In 2007 a Congolese military court acquitted three Anvil employees of complicity in war crimes. However, a group of NGOs who joined together to form the Canadian Association Against Impunity launched a class action suit against Anvil in the Canadian courts. On 1 November 2012 the Supreme Court of Canada turned down an appeal against an earlier judgment ruling that it was inappropriate to hear the case in Canada, see *Association canadienne contre l'impunité c. Anvil Mining Limited*, 2012 CanLII 66221 (SCC), available at: <http://canlii.ca/t/ftlpg>. See also 'Supreme Court won't hear appeal in Congo massacre case', in CBC News, 1 November 2012, available at: [www.cbc.ca/news/canada/montreal/story/2012/11/01/quebec-anvil-mining-appeal-refused-supreme-court.html](http://www.cbc.ca/news/canada/montreal/story/2012/11/01/quebec-anvil-mining-appeal-refused-supreme-court.html).

<sup>51</sup> MIGA/Anvil Mining, *The Voluntary Principles on Security and Human Rights: an Implementation Toolkit for Major Project Sites*, July 2008, available at: [www.miga.org/documents/VPSHR\\_Toolkit\\_v3.pdf](http://www.miga.org/documents/VPSHR_Toolkit_v3.pdf).

<sup>52</sup> Ibid., p. II-17.

اجرای اصول داوطلبانه آنویل/میگا تدوین گردید اما ارجاع آن به ضرورت ایجاد تغییر و اصلاح بخش امنیت با پشتیبانی بین المللی، بالاخص در جمهوری دموکراتیک کنگو، با تعارض مواجه بود.

در اوایل ۲۰۰۶ گزارشی توسط گروه بحران بین المللی (ICG) ادعا نمود، در تعیین صلح و توسعه جمهوری دموکراتیک کنگو هیچ مسئله ای مهم تر از اصلاح بخش امنیت نیست.<sup>۵۳</sup> این گروه اقدام مشترک مقامات کنگو توأم با کمک وام دهندگان بین المللی سازمان ملل را درخواست نمود. گزارش این نهاد همچنین عنوان می‌دارد، ارتش و پلیس هر دو اقدامات زیادی باید انجام دهند تا روزآمد و حرفه ای شوند اما تنها زمانی حیات سیاسی و اقتصادی کشور جان تازه ای برای شروع مجدد و بازگشت به روال طبیعی می‌گیرد که آن‌ها دست به این اقدامات زنند.<sup>۵۴</sup> شرکت‌ها علاقه‌ی آشکاری به کارکردن با نیروهای امنیتی روزآمد و حرفه ای دارند ولی لازم است سایر بازیگران -غالباً دولت‌ها- در روند کارآمد و حرفه ای ساختن ورود نمایند.

#### نتیجه: اهمیت دستاوردهای جمعی

سه نمونه مطالعاتی فوق نیاز به ارزیابی مؤثر ریسک پیش از اقدام به سرمایه گذاری را مورد توجه قرار می‌دهند. ارزیابی مذکور، هم ریسک‌های متوجه شرکت‌ها و هم اثرات بالقوه آن‌ها بر جوامع بومی و دیگر ذینفعان را شناسایی می‌کند که از فعالیتهای بخش خصوصی در کشورهای تحت الشعاع جنگ ناشی می‌شوند. در خصوص ریسک‌های موجود، بررسی مؤثر آن‌ها پیش از سرمایه گذاری شرکت ساده تر خواهد بود.<sup>۵۵</sup> خصوصاً در مورد پروژه‌های مهم و این دوره ای است که سرمایه گذاران خارجی و حمایت کنندگان از آن‌ها بیشترین قدرت و نفوذ را در ارتباط با مسائل حقوق بشری دارند چرا که هنوز فرصت گریز برای آن‌ها باقی است.<sup>۵۶</sup> زمانیکه شرکت‌ها مبالغ هنگفتی را در اموال و دارایی‌های مشخص سرمایه گذاری نمودند، اعمال نفوذ و قدرت به میزان قبل، غیر ممکن و یا دشوار می‌شود و دیگر در موقعیتی قرار ندارند که بدون تحمل هزینه بتوانند از عرصه بیرون آیند. حداقل در میان شرکت‌های غربی پیشرو برخی نکات و آموزه‌های تجربه پیشین، ثبات و قرار یافته‌اند که دستاوردهای مسئولانه تر نسبت به ریسک، گواهی بر این مدعاست.

<sup>53</sup> ICG, Security Sector Reform in the Congo, February 2006, p. 1.

<sup>54</sup> Ibid., p. 2.

<sup>55</sup> The importance of addressing concerns with respect to human rights when contracts with host governments are being negotiated is also emphasised in an Addendum to the Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises. See John Ruggie, 'Addendum – principles for responsible contracts: integrating the management of human rights risks into State-investor contract negotiations: guidance for negotiators', UN Doc. A/HRC/17/31/Add.3, 2011.

<sup>56</sup> A similar dynamic may exist with respect to the balance of bargaining power over purely commercial issues.

ده سال پیش در مصاحبه ای غیر رسمی، مدیر شرکتی با صداقتی حاکی از تأسف در خصوص سرمایه گذاری انجام شده توسط شرکت وی در دوره صلح نسبی یک منطقه در مرکز مخاصمات آفریقایی، ابراز داشت: صادقانه بگویم، ما درست به میان گرداب افتادیم.<sup>۵۷</sup> احتمالاً امروزه کمتر شاهد چنین تجربیاتی هستیم.

معهدا، ارزیابی ریسک ابتدایی، حلال همه مسائل نیست. شرایط تغییر می کند و تغییر آن ها ممکن است چنانچه در نمونه نخست فوق الذکر شاهد بودیم، در نتیجه توسعه و پیشرفت گسترده تر در کشور میزبان و یا بخاطر عکس العمل بومی و محلی به فعالیت های شرکت های خصوصی صورت پذیرد. هنگامی که شرکت ها سرمایه گذاری خود را انجام دادند، باید هر آنچه از نفوذ و قدرت در توان دارند بکار گیرند تا به شرایط تغییر یافته ای که حاوی ریسک های حقوق بشری هستند، واکنش نشان دهند. نمونه مطالعاتی نخست نشان می دهد که این اعمال نفوذ خصوصاً در شرایط بحرانی، غیر مستقیم است. اصول راهبردی نیز بر نیاز به استفاده مسئولانه از قدرت شرکت تأکید دارد، اما قدرت یک شریک خصوصی که بطور مستقل در منطقه مخاصمه و درگیری فعالیت دارد، ممکن است بسیار محدود باشد.

این تحقیق بر الزام به رویکرد جمعی اشاره دارد که دولت میزبان را نیز همچون دولت متبوع، شرکت ها و سازمان های بین المللی یا دیگر آژانس های چند ملیتی دخیل می نماید. در اصل این رویکردی بود که توسط دولت ها و سایر بازیگرانی که تواما اصول داوطلبانه را ایجاد کردند، اتخاذ گردید. چنان که در مطالب فوق نیز اشاره گردید، اصول داوطلبانه از ابتدا ابداع سه گانه ای از جانب دولت های ایالت متحده آمریکا و انگلستان به همراه گروهی منتخب از شرکت ها و سازمان های غیردولتی و مردم نهاد بود. با وجود این، موسسه حقوق بشر و تجارت عنوان داشته که دخالت محدود کشورهای تحت تأثیر جنگ در روند ایجاد اصول داوطلبانه ممکن است این امر را متصور سازد که که شرکت ها هم مشکل و هم راه حل هستند چرا که تلاش بسیار کمی در جهت تشویق دولت های کشورهای پر ریسک به حذف نقض یا حذف مصونیت از نقض، مبذول می دارند.<sup>۵۸</sup>

خوشبختانه علیرغم نمونه های فراوان موجود، مثالی مثبت وجود دارد که در آن دولت کلمبیا در حال حاضر یک شرکت کننده دائمی در روند ایجاد اصول داوطلبانه است.<sup>۵۹</sup> در این نمونه، عامل کلیدی موفقیت شامل حضور و تعهد فعالانه

---

<sup>57</sup> Interview with John Bray, November 2002.

<sup>58</sup> Institute for Human Rights and Business, *From Red to Green Flags: The Corporate Responsibility to Respect Human Rights in High-Risk Countries*, 2011, p. 81, available at: [www.ihrb.org/pdf/from\\_red\\_to\\_green\\_flags/complete\\_report.pdf](http://www.ihrb.org/pdf/from_red_to_green_flags/complete_report.pdf).

<sup>59</sup> See Voluntary Principles on Security and Human Rights, *Voluntary Principles: Colombia Case Study*, available at: [http://voluntaryprinciples.org/files/vp\\_columbia\\_case\\_study.pdf](http://voluntaryprinciples.org/files/vp_columbia_case_study.pdf). Colombia's participation in the Voluntary Principles began with a meeting at the US embassy in Bogota in 2003. Following this meeting, the Asociación Colombiana del Petróleo established a working group whose activities included improving information-sharing, coordinating responses to human rights abuses, drafting performance indicators, and organising risk assessment guidelines and workshops. The outcomes of

دولت میزبان و نیز یک گروه صنعتی مهم بنام موسسه کلمبیانا دل پترولیو بود. این مثال دلیل اقدامات محتاطانه را بدست می‌دهد اما در عین حال به مشکلات دیگر نیز اشاره دارد: از جمله اینکه کلمبیا هنوز تنها یک کشور در حال توسعه است که شرکت کننده دائمی در روند ایجاد اصول دوطالبانه می‌باشد.

پروفسور جان راگی در گزارش ۲۰۰۸ خود به شورای حقوق بشر سازمان ملل بیان داشت که دلیل اساسی معطل امروزی تجارت و حقوق بشر در بطن خلاهای حاکمیتی قرار دارد که - (بین حوزه و تأثیر نیروها و فعالان اقتصادی و ظرفیت جوامع در مدیریت نتایج معکوس) - توسط جهانی شدن پدید آمده‌اند.<sup>۶۰</sup> در جایی که خلاهای حاکمیتی وجود دارد، تأکید بر مسئولیت جمعی در احترام به حقوق بشر کاملاً مهم است و بدرستی این دغدغه قابل توجه اصول دوطالبانه و اصول راهبردی می‌باشد و احتمالاً پر کردن این خلاها حتی مهم تر هم هست. در کشورهای تحت تأثیر جنگ، اصلاح بخش امنیت و حکمرانی مطلوب نه فقط به‌عنوان ابزار کاهش ریسک‌های نقض حقوق بشری، بلکه برای مقذور ساختن توسعه اقتصادی منصفانه و پایدار ضروری است. شرکت‌های مسئول در مناطق تحت تأثیر جنگ سرمایه گذاری نخواهند کرد مگر فرصت مناسب تجاری مشاهده کنند، اما این تنها عامل نیست.

در سال ۲۰۰۳ بانک جهانی یک سری مطالبی تحت عنوان منابع طبیعی و نزاع خشونت بار: گزینه‌ها و اقدامات، ترتیب داد.<sup>۶۱</sup> جان بری در تحقیق خود، شیوه‌های جذب شرکت‌های مسئول به فضاهای پر ریسک را بر مبنای درک این موضوع مورد بحث قرار می‌دهد که این شرکت‌ها بیش از اینکه بخواهند کنشگرانی با عملکرد ناشیانه باشند، تمایل دارند نقشی مثبت ایفا کنند.<sup>۶۲</sup> مدیر ارشد اجرایی یک شرکت بین المللی نفت پاسخ موجزی ارائه نمود بدین مضمون که: این حکمرانی نابخردانه است.<sup>۶۳</sup> شرکت‌های پیشرو با معیارهای بالای مسئولیت پذیری فعالیت در کشورهای با حاکمیت غیر قابل پیش بینی را، از جمله کشورهایی که در آن‌ها فساد گسترده حاکم است، دشوار می‌یابند.

این طرز نگاه به اهمیت حکمرانی مطلوب، کاربردهای گسترده تری دارد. برای شرکت‌های محلی کوچک‌تر، امکان انتخاب محل فعالیت وجود ندارد اما شانس آن‌ها برای موفقیت، تحت الشعاع مسائل دیگری از قبیل دسترسی به

---

this process have included greatly improved coordination between companies and government officials and

a general improvement in company standards.

<sup>60</sup> See Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie, UN Doc. A/HRC/8/5, 7 April 2008, p. 3.

<sup>61</sup> Ian Bannon and Paul Collier (eds), *Natural Resources and Violent Conflict: Options and Actions*, World Bank, Washington D.C., 2003, available at: <http://go.worldbank.org/MSS8O5RVN0>.

<sup>62</sup> John Bray, 'Attracting reputable companies to risky environments: petroleum and mining companies', in I. Bannon and P. Collier, above note 60, pp. 287-352

<sup>63</sup> *Ibid.*, p. 291.

شیوه‌های حل اختلاف منصفانه و نظام حقوقی کارآمد است.<sup>۶۴</sup> در سیاق مباحثات جاری، همین اصل در مورد حقوق بشر نیز صدق می‌نماید. برآوردی از یک راه حل دائمی برای مشکلات بومی حقوق بشر یا درگیری و مخاصمه متصور نیست، مگر اینکه کشور درگیر بتواند حاکمیت پایدار و منصفانه‌ای ایجاد نماید که حامی حقوق و منافع شرکت‌ها و شهروندان باشد.

گزارش توسعه جهانی ۲۰۱۱ بانک جهانی حاکی از این است که: جنگ، امنیت و توسعه تأثیر مشابهی در الزام به قدرتمند سازی مؤسسات دولتی ایجاد می‌کنند، اما در عین حال توجه به واقع‌گرایی را نیز متذکر می‌شوند: به زبان ساده، ایجاد مؤسسات قانونی که بتوانند از تکرار خشونت جلوگیری نمایند، بسیار کند پیش می‌رود. در واقع حدود یک نسل به درازا می‌کشد.<sup>۶۵</sup> در حالی که تغییر اساسی ممکن است چند دهه به طول بیانجامد. نه شرکت‌ها و نه شهروندان حاضر به انتظار خواهند بود. این بدان معنی است که کنشگران بخش خصوصی به ادامه فعالیت در مسیری می‌پردازند که از کمال به دور بوده و عملکرد تجاری آن‌ها احتمالاً نتایجی به بار خواهد آورد که حتی با دقیق‌ترین اقدامات احتیاطی غیر قابل پیش‌بینی خواهند بود. در چنین شرایطی، ساده‌ترین راه حل برای شرکت‌های ریسک‌گریز و مسئول، محدود نمودن فعالیت‌های خود به موارد قابل پیش‌بینی است حتی اگر در فضاهای تجاری بدون جذابیت درون کشورهای توسعه یافته باشد. آنگونه که در بخش نخست این مقاله اشاره شد، در صورتی که نیاز به رعایت اقدامات احتیاطی حقوق بشری به‌عنوان یک مسئله حقوقی الزامی وجود داشته باشد، شرکت‌ها ممکن است تمایل به سرمایه‌گذاری در کشورهای تحت تأثیر جنگ نداشته باشند. در حالی که ماندن در کشور متبوع ممکن است راه حل ساده‌ای باشد، لزوماً دستاورد ایده‌آلی، چه از نظر تجاری و چه از نظر توسعه اجتماعی نیست. ریسک‌پذیری مسئولانه باید مورد تشویق قرار گیرد نه اینکه سرکوب شود.

در واقع می‌توان گفت که نباید صورت مسئله تجارت و حقوق بشر را پاک کرد بلکه باید به دنبال شیوه‌های موثرتر در اجرای آن‌ها بود. بدون شک ریسک‌پذیری مسئولانه مستلزم انجام اقدامات احتیاطی حقوق بشری و نیز رعایت مسائل دیگر توسط شرکت‌های تجاری است. همچنین مستلزم توانایی تطبیق با شرایط در حال تغییر است. نقش دولت‌ها فراهم نمودن فضای مناسب برای شرکت‌های بین‌المللی در جهت فعالیت مسئولانه‌ی موفقیت‌آمیز می‌باشد و این مهم نیز مستلزم تلاش مشترک و هماهنگ آژانس‌های ملی و چند ملیتی است. مسئولیت اولیه در ایجاد مؤسسات و مکانیسم‌های لازم برای حمایت از حقوق بشر بر عهده دولت‌های میزبان بوده اما همکاری دولت‌های متبوع شرکت‌ها و سایر کنشگران می‌تواند بسیار مفید و کارآمد واقع شود. خصوصاً در کشورهای تحت تأثیر جنگ کاملاً حیاتی است که دولت‌ها، تجارت و جامعه مدنی همدوش و هم راستا عمل نمایند.

<sup>64</sup> For a discussion of this and related points, see World Bank, World Development Report 2005: a Better Investment Climate for Everyone, Washington DC, 2004.

<sup>65</sup> World Bank, above note 7, p. 10.

